

### فصل اول

#### (بررسی ماده شهد در لغت)

#### المنجد

#### معنای اول :

**فعل:** ثلاثی مجرد - ثلاثی مزید

ثلاثی مجرد: شهد المجلس: حضره «او حاضر شد» و - شهد الشيء: عاینه «دیدار را» = اطلع علیه «نسبت به او مطلع شد» و شهد الجمعة: ادركها «او را درک کرد» و - شهد الله: علم الله او قبل الله «خدا داناست یا خدا قبول کرد».

ثلاثی مزید: باب مفاعله: شاهد مشاهدة: عاینه «دید او را».

باب افعال: أشهده: أحضره «او حاضر شد»

**اسم:** جامد - مشتق

**جامد:** مصدری: شهوداً - شهادة

**غیر مصدری:** الشاهد (فک): النجم «ستاره» = صلاة الشاهد. صلاة المغرب «نماز مغرب» - الشاهدة ج شاهدات و شواهد: الارض «زمین» - الشهادة: عالم الاکوان الظاهرة و يقابله عالم الغيب. «عالم که ظاهری (دیده می شود) و مقابلش عالمی است که دیده نمی شود»

**مشتق:** صفت مشبهه: الشهيد و الشهيد: الذي لا یغيب شيء عن علمه

«کسی که چیزی بر دانشش پنهان نیست»

اسم زمان و مکان: المشهد ج مشاهد: محضر الناس = مجتمع الناس «حضور مردم»

= «جمع شدن مردم»

المشاهدة و المشهدة: محضر الناس «حضور مردم»

فاعل: امرأة مشهد «فاعل»: حضر زوجها، و ضده امرأة مغيبة «حاضر بودن دو

زوج (مرد برای زن) و ضد آن غایب بودن همسر برای زن

مفعول: المشهود: يوم الجمعة = يوم القيامة «روز جمعه = روز قیامت»

استعمالات لغوی «شهد»

## معنای دوم

فعل: ثلاثی مجرد - ثلاثی مزید

ثلاثی مجرد: شهد علی کذا: اخبر به خبراً قاطعاً فهو شاهد «کسی شاهد است که خبر می‌دهد به وسیله چیزی که آن خبر باید خبری قاطع باشد. شهد بکذا: خلف «سوگند یاد کردن، قسم خوردن». شهد عند الحاکم لفلان او علی فلان: اذمی ما عنده من الشهادة، فهو شاهد. ج «شهد و شهود و اشهاد «کسی شاهد است که ادعا می‌کند چیزی نزد خودش از شهادت است». شهد فلاناً علی کذا: جعله شاهداً علیه «فرستاد آن را شاهی برای آن»

اشهد: قتل فی سبیل الله: کشته شده در راه خدا.

ثلاثی مزید: أشهد، تشهد = تفعل معنا طلب شهادت. و تشهد المسلم «تشهد در نماز و البته احتمال بر گفتن شهادتین هم دارد.»

استشده: باب استفعال، متعدی به نفسه و به معنی سوال و در خواست یعنی طلب شهادت دادن. و استشده به «کمک به او در شهادت. و مجهولش که هست استشده به معنی «کشته شده در راه خداست.»

اسم: جامد - مصدری: شهوداً - شهادت - شهادة

مشتق: شاهد: اسم فاعل جمع آن «شهود و شهد» - شاهد جمع آن «شهد و شهود و أشتهد». شاهد - اسم فاعل و کسی که خبر می‌دهد. به آنچه که شاهد بوده (و یعنی کسی که گواهی می‌دهد. و بداعت امر این است که شهادت از علم باشد) (و ملاک این شاهدت هم لسان است) و یکی از معنای شاهد زبان است. و از همین باب است و یکی دیگر از معانی شاهد کلام کسی است که به عرب اصل بودنش اطمینانی نیست اما در عین حال کلام او آورده می‌شود برای ثابت کردن قاعده‌ای از قواعد نحوی و یا غیر آن. البته نحوی شاهد مثال می‌آورد از کلامی که عرب غیراهل است.

الشاهدة: ج شاهدات و شواهد «جمع مونث سالم و جمع مکسر» و مونث شاهد است

الشهادة: مصدر و به معنای خبر قاطع است. اسم مصدرش هم از فعل شهد به و یا شهد علیه گرفته شده است و معنای دیگر: الف: مرگ در راه خدا و ب: گواهی پزشکی که فرد مریض است و یا سالم (نسخه و مانند آن) و پ: برگه ای مخصوص که حکومت و یا مدرسه می‌دهد به موثق بودن در امتحان (مدرک تحصیلی) الشهید و الشهید: یعنی مورد اعتماد در شهادتش و یعنی شاهد. و جمعش شهدا و مونثش شهیده و معنای اش یعنی: کشته شده در راه خدا. و اسم الشهادت: گفته می‌شود به کسی که در قیامت شهادت می‌دهد. در نزد خدا.

المشهد: اسم مکان ج مشاهد. مکان شهادت دادن شهید را گویند «چه مقتول و چه شاهد. و چه برای زیارت مثل مشاهد شریفه»

المشهد: کشته شده در راه خدا. که اسم مفعول می‌باشد.

استعمالات لغوی «شهد»

## معنای سوم:

الشَّهِدُ. و الشَّهِدَةُ: ج شهداء: غسل تازه تا زمانی که تصفیه نشود. (و همراه با موم) الشَّهِدَةُ و الشَّهِدَةُ = قسمتی از غسل را می‌گویند که البته همراه موم و یا تصفیه نشده باشد. الشاهد در کارها یعنی سریع.

## فصل سوم

### (شهادت راه مردان خدا)

#### تعریف لغوی:

شهید که از ریشه شَهِدَ است و بر وزن فَعِيل می‌باشد. در کتاب المعجم الوسیط شهید را کشته راه خدا و گواهی دهنده می‌نامند و جمع آن را شهداء و اَشهاد گفته است، شهد در وزن‌های دیگر مانند اسم فاعل شاهد، کسی که گواهی می‌دهد. دلیل، برهان، آب مخاط ماندی که با نوزاد می‌آید معنا کرده است به باب استفعال برده می‌شود که مصدر آن اِسْتَشْهَدَ فلانٌ به معنای این است که فلانی در راه خدا به قتل رسید در فرهنگ لغت معین شهید را یکی از اسماء الحسنی خداوند دانسته و کشته در راه خدا و دین را هم شهید می‌داند و جمع آن را شهدا نامیده است.

تعریفی دیگر در کتاب المنجد شهید را حاضر، گواه، امین در شهادت، آنکه از علم او چیزی فوت نشود، کشته در راه خدا معنا کرده است. شهادت که یکی از کلمات همجنس شهید است در اصطلاح دینی به معنای حضور همراه مشاهده است که این حضور یا به بَصَر است و یا به بصیرت می‌گویند.

#### تعریف اصطلاحی

شهید در اصطلاح فقهی کسی را در اسلام شهید گویند که در معرکه قتال و جهادی که به امر نبی یا نائب خاص او باشد کشته شود بر غریق، مبطون و ... نیز اطلاق شده است و شهید در اصل از شهود است یعنی حضور یا شهادت است بالجمله کسانی که در راه خدا کشته که میشوند شهید گویند یا از جهات آنکه ملائکه نزد آنها حاضر شوند یا از جهت حضور روح آنها نزد حق. «از کَشَّاف ج ۱ ص ۸۱۴» (زمخسری، عالم اهل سنت)

شهید در اصطلاح عرفانی آنکسی است که در پرتو تجلیات معشوق محو شود و اهل مکاشفه باشد. البته شهود در عرفان معانی عمیق و دقیقی دارد. که از بحث ما خارج است.

اینکه چرا چنین کسی را «شهید» می‌نامند، یا برای این است که پس از شهادت، فرشتگان بر بالین او حضور می‌یابند و یا به این است که روح شهید پس از شهادت به محضر پروردگار مشرف می‌شود «کشاف، ۱/۷۳۹». در قرآن کریم هیچ گاه واژه «شهید» به معنای اصطلاحی اش نیامده است. قرآن برای اشاره به شهید، از تعبیراتی همچون «قتلتم فی سبیل الله» سود برده است. اما واژه شهید با معنای اصطلاحی اش، در احادیث رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) فراوان به کار رفته است. «مجموعه ش مطهری، ۴۵۴/۲»

## بررسی شهادت در قرآن:

در قرآن شریف حدود ۱۰ آیه به صورت صریح درباره کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند بحث شده و ما قصد بر این داریم تعدادی از این آیات را در این پژوهش بررسی کنیم انشاء...  
۱۶۹: «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون».  
آل عمران ۱۶۹ – المیزان ذیل آیه و نمونه ذیل آیه:  
با توجه به سیاق آیات و اتفاق نظر مفسرین این آیه خطاب به پیغمبر است. از باب تأکید بر فضیلت و شرافت موضوع طرح شده.

در این آیه اشاره به حیات شده و می‌فرماید: احياء نه اموات. مفسرین در این باره نظرات گوناگونی ذکر کرده‌اند. (علی الظاهر در این جا حیات همان بقاء الی الله است بعد از فناء فی الله یعنی شهداء فانی شدند در مرحله‌ای و بقاء یافته در مرحله‌ای دیگر و از ناسوت «دنیا» به جبروت «درجه‌ای در عرفان» رحلت نمودند. و عده‌ای هم می‌گویند مراد زنده بودن آرمان‌ها و هدف‌هایشان است البته حیات بعد از مرگ مخصوص همه است. مراد از این حیات هم حیات برزخی است. ولی چون حیاتی که شهیدان در برزخ دارند همراه با نعمت و رحمت است. تنها از حیات آن‌ها نام برده شده. گویا حیات سایر برزخیان در مقابل حیات ایشان چیزی نیست و مراد از روزی هم رحمت و نعمت و شادابی و شادمانیست. تفسیر نمونه (۲۲۰)

در قرآن شریف طبق نظر بیشتر مفسران یک آیه به شهید معنای کشته شده در راه خداست که در سوره نساء آمده است و من یطع الله و رسوله... و شهداء (نساء/آیه ۶۹)

شیخ طوسی و صاحب مجمع البیان امین الاسلام طبری در ذیل این آیه فرموده‌اند «منظور از شهداء در این آیه کسی است که در راه خدا برای رضای خدا کشته شود».

فخر رازی هم در کشاف در معنای شهداء گفته: منظور کسی است که در راه خدا کشته شده باشد. این آیه به خوبی مقام شهید را مشخص می‌کند و می‌فرماید یکی از گروه‌هایی که رحمت رحیمه‌ی خداوند شامل حالشان می‌شود شهیدان هستند و اینان همان منعمانند. پس هر کس که می‌خواهد جزء انعمت علیهم باشد باید راه این بزرگواران را ادامه دهد....

## در قرآن شریف هدف از جهاد و شهادت به نکات زیر توجه شده است:

۱) اقدام علیه سران کفر. «فقتلوا ائمه الکفر» پس ریشه کن کردن مترفین و سران کفر یکی از مصداق‌های جهاد است و مجاهد هم در این راه به تجارت می‌پردازد و چه بکشد و چه نکشد و چه کشته شود پیروز است و خدا جان و مالش را می‌خرد و پاداش بهشت به او می‌دهد. «ان الله شتر... (۱۱۱/توبه)

۲) به طور کلی هدف از جهاد در قرآن برای رهایی از ظلم استبداد و رهایی از شیطانیتان و رسیدن به حیات طیبه است. و در آیات این به وضوح به چشم می‌خورد. و شهید هم کسی است که در مقابل هوا و هوس‌ها و شرک و خلافه سیه سپر می‌کند. گاه به دفاع از حریم جغرافیایی می‌پردازد و گاه به دفاع از حریم اعتقادی خود گاه جان خود را می‌دهد. و گاه مال خود را. و می‌کشد و کشته می‌شود. در هر صورت پیروز است و پاداشش طبق قرآن، انجیل، تورات بهشت بررسی است. با شاخصه‌ی رستگاری و رضایت دو جانبه (مضمون آیه ۱۱۱ سوره توبه)

## شهادت در امم گذشته

در قرآن شریف جهاد و مجاهده یکی از سنت‌های الهی برشمرده شده است. «کاین من نبی قتل معه ربیون...» آیه ۱۴۶ آل عمران بالاخره از این اشاره به این شده که در امت‌های گذشته هم امر جهاد و شهادت امری مسلم بوده البته این موضوع به بداهت «روشنی» عقل هم ثابت است چرا که مقابله با شرک و بت پرستی کار انبیاء و همراهانشان بود، پس هر کسی در این راه کشته شود و یا قدم بردارد مورد رحمت رحمان است. در کتب مسیحیت و یهودیت بعضاً درباره شهادت بحث شده مانند کتاب قاموس و ...

## مقام شهید در قرآن:

در آیه بیست سوره توبه درباره مقام شهید فرمود «اولئک هم الفائرون» در آیه توبه ۱۱۱ فرمود «ذلک الفوز العظیم» و یا در جایی دیگر می‌فرماید «اجراً عظیماً. همه‌ی این آیات مشخص می‌کند مقام شهید مقامی رفیع و عظیم است و شاخصه‌ی اصلی این گروه هم این است که با انجام تکلیف و خودسازی به مقام رضایت و خشنودی نایل شده‌اند که فرمود ذلک الفوز العظیم.» سوره توبه ۱۱۱ یعنی هم خدا از آنان راضی است و هم آنان از او راضیند. و مقام شفاعت و نعمت هم از جمله مقامات این بزرگواران است.

## مقامات شهید

همین بس که شهید مقامات و اوج و قربی نزد خداوند دارد حتی اگر رزمندگان اسلام به مقام شهادت هم نرسند از همان بدو ورودشان به عرصه جهاد با دشمن برایشان حسنات و امتیازاتی از سوی خداوند منان داده می‌شود همانطوری که نبی اکرم(ص) فرمودند: چون رزمندگان با اهل و خانواده خود خداحافظی کنند. ماهی‌ها و خانه‌ها، بر آنها می‌گریند و از گناهان خود خارج می‌شوند، همانگونه که ما را از پوست خود خارج می‌شود «کشف الاسرار و عده‌الابرار، ج ۲، ص ۳۴۷»

حتی در ادامه‌ی این حدیث آمده است که خداوند چهار هزار فرشته را بر آنها می‌گمارد تا از جلو و پشت سر آنان را محافظت نمایند.

قابل توجه است که نیت برای شرکت در جهاد و آماده شدن برای این امر الهی و ... هم در جایگاه خودش ثوابی دارد که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: نیروهای رزمنده هنگامی که تصمیم به شرکت در جنگ می-گیرند، خداوند مصونیت آنها را در آتش تضمین میکند. و چون آماده جنگ شوند، فرشتگان به وجود آنها افتخار می کنند. کار نیکی انجام نمی دهند مگر اینکه مضاعف شود. در مقابل هر روز در جبهه ثوابی برابر عبادت هزار مرد عابد برای شان می نویسند. چون با دشمن رو به رو می شوند قدم هه اهل دنیا از درک ثواب آنها عاجز است و چون به مبارزه با دشمن می ایستند و تیرها را آماده نشانه رفتن به دشمن می کنند و با یکدیگر درآویزند فرشتگان بال های خود را بر سر آنها می گستراند و برای پیروزی و ثابت قدمی آنها دعا می-کنند. هنگام ضرب و زخم، همسر بهشتی و نعمت های الهی بر او فرود می آید. مرحبا به روح پاکي که از بدنی پاک و مطهر خارج شده بشارت باد بر تو کرامت ها و نعمت ه ایی که هیچ حشمتی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است و بر قلب هیچ کسی خطور نکرده است. «کشف الاسرارو عدة الابرار، ج ۲، ص ۲۴۸ و ۲۴۹».

درباره ی پاک بودن خون شهید هم حدیثی نقل شده است که امام زین العابدین(ع) پیوسته از قول رسول خدا(ص) می فرمودند: هیچ قطره ای در نزد خداوند دوست داشتنی تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته می-شود نیست «وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۸ حدیث ۱۱» از این حدیث می توانیم به پاک بودن خون و نجس نبودن جنازه ی شهیدی که در معرکه جنگ کشته شده است و نیاز نداشتن آن به غسل و کفن پی برد همان طوری که پیامبر اکرم(ص) درباره ی شهدای احد فرمودند: آنها را با همان خونهایشان و لباس های خودشان دفن کنید. وسائل الشیعه ج ۲ ص ۷۰۱ حدیث ۱۱

اینها گوشه ای از مقامات شهید هستند و فقط اینها نیستند بلکه شفاعت کردن آنها در روز قیامت، معافیت آنها از سؤال قبر و ... اینها کسانی هستند که با نگاهشان می توانند آدمی را دگرگون کنند آنها مردان بی-ادعایی بودند که بدون هیچ چشم داشتی جان و مالشان را در دست گرفتند باشد که شفیع ما باشند در دنیا آخرت.

## نتیجه :

شهید از ریشه شهید است و بر وزن فعل می باشد جمع آن شهداء است و به کشته در راه خدا شهید می-گویند.

شهید در اصل از شهود است یعنی حضور یا شهادت است بالجمله کسانی که در راه خدا کشته می شوند شهید گویند یا از جهت آنکه ملائکه نزد آنها حاضر شوند یا از جهت حضور روح آنها نزد حق. در آیات قرآن شهادت جایگاه ویژه ای دارد البته شهید در قرآن به معنای مقتول فی سبیل الله می باشد مسئله-ی جهاد و ارزش شهداء به جز اسلام در ادیان پیشین هم مطرح بوده است و جزء سنت های الهی می باشد. به طور کلی جهاد و هدف از شهادت دفاع از کیان و پاسداری از عقاید و اعتقادات می باشد. در روایات اهل البیت(ع) هم مقام شهیدان مقام بس عظیمی است مانند شفاعت.

پس وظیفه ی ما در مقابل این بزرگواران این است که اولاً در هر لباسی که هستیم تکلیف مدار باشیم، ثانیاً مقابل عکس شهیدان عکس آن عمل نکنیم و در هر موقعیتی یاد و خاطر این افلاکیان را زنده نگهداریم، پاسدار خون مبارکشان باشیم تا شاید بتوانیم به مقام رستگاری نائل شویم.